



## Examining the difference in the reading of the words "sekhariyyah" and "sokhariyy" and its effect on the sources of vocabulary knowledge

Ameneh Omidi<sup>a</sup>, Ali Maatouri<sup>b</sup>

<sup>a</sup>Ph.D. in Quran and Hadith sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

<sup>b</sup>Assistant Professor and faculty member of the Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

### KEYWORDS

Qur'an, recitation, Sekhariyya, Sokhariyya, sources of vocabulary knowledge, interpretations

Received: 22 July 2022,

Accepted: 18 October 2022

Article type: Research Paper

DOR: 20.1001.1.28212754.1401.1.1.6.2

### ABSTRACT

The reading of the word "sokhriyya" *fattakhadhtumuhum sikhrian hatta 'ansawkum dhikri w kuntum mminhum tadhakun* " (muomenoon/110) is disputed; Some have called it (Sekhriyya) and some have called it (Sokhriyya). The famous reading (Sekhriyya) is with Kasr Sin, while Nafi, Hamza and Kesai read it as Zham (Sokhriyya). The present research has investigated the meaning of (sekhriyya) and (sukhriya) by analyzing the lexical, reading, and interpretive sources.

The analysis of the mentioned sources in expressing the meaning of these two words shows how the owners of lexical dictionaries and readers communicate and interact; The dictionary of scholars, while expressing the meaning of these two words, attribute the difference in meaning mentioned for (Sekhryyia) and (Sokhriyya) to some readers. The Quran is holy. According to the review of the opinions of the commentators and the words of the Pajhians, it should be said that the reading of the word (Sekhariyya) with the minus (Sin) means "mocking and mocking" and the word (Sokhryyia) means (employing and using). Understanding the exact meaning of each of the two words requires paying attention to the context of the verses and determining each of the meanings.

\* Corresponding author.

E-mail address: Omidi7092@yahoo.com

2022 Published by Arak University Press. All rights reserved.





## بررسی اختلاف قرائت در واژه‌ی «سُخْرِيًّا» و «سُخْرِيًّا» و تأثیر آن بر منابع دانش لغت

آمنه امیدي الف\*، علی مطوری ب

الف دانش‌آموخته‌ی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران  
ب استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
قرآن، قرائت، سُخْرِيَّا، سُخْرِيَّا، منابع دانش لغت، تفاسیر	قرائت واژه‌ی «سُخْرِيَّا» در آیه‌ی «فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سُخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمُ ذِكْرِي وَ كُنْتُمْ مِّنْهُمْ تَصْحَكُونَ» (مؤمنون/ ۱۱۰) مورد اختلاف است؛ برخی آن را (سُخْرِيَّا) و برخی (سُخْرِيَّا) خوانده‌اند. قرائت مشهور (سُخْرِيَّا) به کسر سین است این در حالی است که نافع، حمزه و کسایی آن را به ضم (سُخْرِيَّا) خوانده‌اند. پژوهش حاضر با واکاوی منابع لغوی، قرائی، تفسیری به بررسی معنای (سُخْرِيَّا) و (سُخْرِيَّا) پرداخته است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۳۱	تحلیل منابع مذکور در بیان معنای این دو واژه چگونگی ارتباط و تعامل صاحبان معاجم لغوی و قاریان را نشان می‌دهد؛ لغت پژوهان ضمن بیان معنای این دو واژه اختلاف معنایی را که برای (سُخْرِيَّا) و (سُخْرِيَّا) ذکر شده به برخی قاریان نسبت می‌دهند، در نتیجه، مشاهده می‌شود که در برخی مواقع نظرات و دیدگاه‌های لغت پژوهان، متأثر از قرآن کریم است. باتوجه به بررسی آراء مفسران و لغت پژوهان باید گفت قرائت واژه‌ی (سُخْرِيَّا) به کسر (سین) به معنای «استهزاء و مسخره کردن» و واژه‌ی (سُخْرِيَّا) به معنای (استخدام و به کار گرفتن) می‌باشد. پی‌بردن به معنای دقیق هر یک از دو واژه نیازمند توجه به سیاق آیات و تعیین هر یک از معانی می‌باشد.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶	
مقاله علمی پژوهشی	

### ۱. مقدمه

مطالعه و بررسی معاجم لغوی همچون: العین (خلیل بن احمد فراهیدی)؛ جمهره اللغه (ابن درید)؛ معجم مقاییس اللغه (ابن فارس)؛ معجم فروغ اللغویه (ابوهلال عسکری)؛ الصحاح (جوهری)؛ لسان العرب (ابن منظور) و ... نشان می‌دهد، گاهی لغت‌پژوهان معانی را که برای یک واژه ذکر می‌نمایند متأثر از آراء و تحلیل‌هایی است که قاریان قرآن کریم از نحوه‌ی قرائت خود داشته‌اند، به عبارتی اختلاف قراءات و تحلیل قاریان از قرائت خود یکی از منابع صاحبان دانش لغت در بیان معنای کلمات بوده است. پژوهش حاضر به منظور بررسی صحت این فرضیه، معاجم لغوی را در مواردی که در قرآن کریم اختلاف قرائت وجود دارد مورد بررسی قرار می‌دهد. به عنوان نمونه درباره‌ی نحوه‌ی قرائت کلمه‌ی (سُخْرِيَّا) در آیه‌ی «فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سُخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمُ ذِكْرِي وَ كُنْتُمْ مِّنْهُمْ تَصْحَكُونَ» (مؤمنون/ ۱۱۰) اختلاف وجود دارد. ماده‌ی (سُخْر) پانزده مرتبه در قرآن کریم به کار گرفته شده است و تنها در یک مورد در قرائت واژه‌ی (سُخْرِيَّا) اختلاف وجود دارد و قراء با توجه به بحث‌های زبان‌شناختی که مطرح می‌نمایند یکی از دو وجه (سُخْرِيَّا) و یا (سُخْرِيَّا) را تأیید می‌کنند. لازم به ذکر است که معاجم و منابع لغوی در بیان معنای این دو واژه به نظرات قاریان در این باره نیز اشاره می‌کنند به عنوان نمونه ازهری می‌نویسد: «این واژه به دو وجه قرائی «سُخْرِيًّا» و «سُخْرِيَّا» قرائت شده و «سُخْرِيًّا» به کسر سین را به معنای استهزاء کردن می‌داند و قول قراء را ذکر می‌کند که وجه «سُخْرِيَّا» به ضم سین را

بهترین وجه می‌دانسته است» (ازهری، ۱۴۳۱، ج ۷، ص ۷۷) پژوهش حاضر درصدد بررسی و تبیین معنا و نوع قرائت واژه‌ی «سُخْرِيًّا» با مراجعه به منابع دانش لغت، روایات و قرآن کریم است. به همین منظور کلمه‌ی «سُخْرِيًّا» در ادبیات عربی، روایات، تفاسیر قرآن و منابع قرائی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بررسی این منابع، فرضیه رابطه بین آراء قاریان، لغت پژوهان و مفسران و تأثیر و تأثر آن‌ها از یکدیگر را تأیید می‌نماید.

## ۲. پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی پیشینه‌ی موضوع می‌توان گفت که تنها مقاله‌ای با عنوان «بررسی زبانشناختی قرائت واژه‌ی (غرفة) در آیه (الَا مَنْ أُعْتَرِفَ غَرَفَةَ بِيَدِهِ» توسط زهرا قاسم نژاد و روح الله نصیری در مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، شماره‌ی ۲ تدوین شده است، اما در مقاله یادشده مطلبی درباره‌ی تأثیر اختلاف قرائت بر معاجم لغوی نیامده و بیش‌تر از نظر زبان‌شناختی بررسی شده است. آن‌چه می‌توان به‌عنوان پیشینه به‌گونه کلی مطرح کرد این است که مقالات، پایان‌نامه و کتب متعددی وجود دارد به‌طور کلی از اختلاف قرائت و نقش آن در معنا بحث می‌نمایند.

## ۳. قرائت در لغت

واژه‌ی «قرائت»، جمع آن، «قراءات»، مصدر سماعی فعل «قَرَأَ» است و دارای معانی زیر است:

- ۱- جمع و اجتماع، همچنان که در قرآن آمده است: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ» (قیامت/۷) (ابن منظور ۲۰۰۵ م، ص ۱۴۲؛ زبیدی، ۱۳۸۵ ق، ج ۱، ص ۲۲۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ ق، ص ۶۶۸).
- ۲- خواندن و تلاوت کردن است (زبیدی، ص ۵۸. ابن اثیر، ۱۳۸۳ ق، ص ۴۸؛ صبحی صالح، ۱۳۷۲، ص ۱۹؛ ابن منظور، ج ۱، ص ۱۲۸؛ عسکری، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۸۹).
- ۳- ظاهر شدن و خروج به شکلی مشخص و معین؛ زیرا در قرائت، الفاظ به اندازه‌ای مشخص شده آشکار و از دهان خارج می‌شود (ابن قیم الجوزیه، ۱۴۰۵ ق، ص ۶۳۵).

## ۴. قرائت در اصطلاح

در تعریف اصطلاحی این واژه نیز نظرات متفاوتی وجود دارد. اهم این نظرات به‌شرح ذیل است:

- ۱- اختلاف در حوزه‌ی عبارات و الفاظ وحی که از سوی قراء در ارتباط با حروف، کلمات و کیفیت الفاظ قرآن مانند تشدید، تخفیف و ... مطرح شده است (زرکشی، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۸). «قرائت، علم به چگونگی و کیفیت ادای کلمات می‌باشد و اختلافی که در این کیفیت مشاهده می‌شود به ناقل و راوی آن منسوب می‌شود» (ابن جزری، ۱۳۰۵ ق، ص ۳).
- ۲- قراءات منحصر در واژه‌ها و الفاظ اختلافی نیست بلکه باید گفت: «قرائت، به‌معنای اختلاف و یا اتفاق نظر ناقلان کتاب خدا درباره‌ی حرکت و سکون، فصل و وصل حروف و کلمات، حذف و اثبات و نظیر آن از قبیل: کیفیت تلفظ و ابدال و غیره از طریق سماع و شنیدن قابل شناسایی باشد» (دمیاطی، ۱۴۰۷ ق، ص ۵؛ بقاعی، ۱۴۲۳ ق، ص ۱۹).
- ۳- «روایات قرآنی و طرقی که با اسناد به ثبوت رسیده تا عمل به آن لازم الاتباع باشد را قرائت می‌گویند و الا هر

طرقی که در تلاوت و رسم الخط قرآن به کار رود، با توجه به این که نتوانیم اسناد و روایت و نقلی برای آن‌ها بیابیم، نمی‌تواند معنای اصطلاحی قرائت باشد که علمای اسلامی در این امر متفق‌اند» (فضلی، ۱۴۱۳ق، ص ۸۴). می‌توان گفت: قرائت دارای دو شاخصه می‌باشد:

- ۱- آگاهی از چگونگی ادای کلمات همراه با اسناد به ناقلان و راویان آن؛
- ۲- اخذ ثقه از ثقه به همان کیفیتی که از زبان پیامبر (ص) جریان می‌یافت و حضرت (ص) آن را تایید می‌کرد.

### ۵. واژه‌ی «سُخْرِيَا» و «سُخْرِيَا» در لغت

در ارتباط با تفاوت معنایی دو کلمه‌ی مذکور با تکیه بر مسائلی همچون تفاوت وزن و تفاوت ساختار، صحبتی به میان نیامده است. منابع دانش لغت معانی زیر را برای هر یک از دو واژه ذکر کرده‌اند: خلیل بن احمد فراهیدی معتقد است: کلمه‌ی «سُخْرِيَا» به کسر سین به معنای استهزاء کردن و مسخره کردن می‌باشد، واژه‌ی «سُخْرِيَا» به معنای استخدام و به خدمت گرفتن کسی بدون پرداخت مزد و اجر می‌باشد و این را نیز بیان می‌کند که واژه‌ی «سُخْرِيَا» در سوره‌ی مومنون آیه‌ی ۱۱۰ به معنای استهزاء می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۹۶).

ابن درید، «سُخْر» به کسر سین را به معنای «مطیع ساختن» و «بهره‌کشی کردن» می‌داند (ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۵۰۴).

ازهری، به خدمت گرفتن بدون مزد را «سُخْرِيَا» می‌داند و قول خداوند را در سوره‌ی مؤمنون آیه‌ی ۱۱۰ را یاد آور می‌شود و می‌گوید: این واژه به دو وجه قرائی «سُخْرِيَا» و «سُخْرِيَا» قرائت شده و «سُخْرِيَا» به کسر سین را به معنای استهزاء کردن می‌داند و قول فراء را ذکر می‌کند که وجه «سُخْرِيَا» به ضم سین را بهترین وجه می‌دانسته است» (ازهری، ۱۴۳۱ق، ج ۷، ص ۷۷).

ابن فارس، درباره‌ی «سُخْر» به کسر سین چنین گفته است: «سُخْرِيَا» به کسر سین به معنای «مَلْعَبَه» و «استهزاء» کردن و «سُخْرِيَا» به ضم سین به معنای «بیگاری گرفتن» می‌داند (ابن فارس، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۴۴).

جوهری معتقد است که «وَقُرِيءَ بِهَا قَوْلُهُ تَعَالَى: [لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيَا سِخْرِيَا] وَ سَخَّرَهُ تَسْخِيرًا: كَقَوْلِهِ عَمَلًا بِلَا أَجْرَةٍ، وَ كَذَاكَ تَسَخَّرَهُ» (جوهری، ۱۳۷۶ ه.ق، ج ۲، ص ۶۸۰) همان‌گونه که مشاهده می‌شود جوهری در ابتدا به قول خداوند در آیه مذکور اشاره می‌کند و اگر چه به‌طور مستقیم به مبحث اختلاف قرائت نپرداخته است اما این را خاطر نشان کرده که تفاوت معنایی بین دو واژه «سُخْرِيَا» و «سُخْرِيَا» می‌باشد.

راغب، ضمن اشاره به اختلاف قرائت، معنای هر دو واژه را متذکر می‌شود و دلیل کسانی را که «سُخْرِيَا» به کسر سین خوانده‌اند، رعایت تناسب واژه‌ی سُخْرِيَا با پایان آیه مورد نظر می‌داند [و كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ] (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۹۸).

ابن سیده نیز معتقد است که واژه‌ی «سُخْرِيَا» به معنای به مسخره گرفتن و همچنین «سُخْرِيَا» به معنای به خدمت گرفتن کسی یا چیزی است و اختلاف قرائت را مورد اشاره قرار می‌دهد (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۷۴).

زمخشری در ابتدا با اشاره به اختلاف قرائت موجود در آیه و وجود دو وجه اعرابی کلمه‌ی «سُخْرِيَا» مانند سایر لغت پژوهان «سُخْرِيَا» را در معنای استهزاء و به مسخره گرفتن کسی و «سُخْرِيَا» را به معنای به خدمت گرفتن می‌داند

(زمخشری، ۱۹۷۹م، ج ۱، ص ۲۸۹).

حمیری این‌گونه اشاره می‌کند که: واژه‌ی «سُخْرِيًّا» به دو وجه قرائی مختلف خوانده شده است چنان‌چه عده‌ای آن را به ضم و عده‌ای آن را به کسر خوانده‌اند از جمله کسانی که آن را به کسر خوانده‌اند: نافع، حمزه و کسایی می‌باشد و سایر قراء آن را به ضم خوانده‌اند و قول کسایی را نقل می‌کند که هر دو واژه را به یک معنا می‌داند اما خود نویسنده معتقد است بین این دو واژه از لحاظ معنایی به این صورت است که: «سُخْرِيًّا» به کسر سین به معنای مسخره کردن و به ضم سین به معنای به خدمت گرفتن کسی یا چیزی است (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۳۰۱۵).

ابن منظور می‌گوید: سُخْرِيًّا به کسر سین به معنای استهزاء کردن می‌باشد و مستند قراء در اختیار قرائت «سُخْرِيًّا» ادامه‌ی آیه و یا همان سیاق آیه می‌داند زیرا در پایان جمله این‌گونه آمده [و كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ]؛ این در حالی است که خود، وجه «سُخْرِيًّا» را به ضم سین پذیرفته و هیچ دلیلی را در جهت نوع اختیار قرائت خود ذکر نکرده است «فهو سُخْرِيًّا و سُخْرِيًّا و الضم أجود» (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ.ق، ج ۴، ص ۳۵۳).

فیروزآبادی می‌نویسد: «سُخْرِيًّا» كَفَلَهُ عَمَلًا بلا اجره (فیروز آبادی، ۱۴۱۸هـ.ق، ج ۲، ص ۱۰۸).  
طریحی نیز در ابتدا به اختلاف قراءات اشاره می‌کند و در ادامه نیز آن‌چه را که سایر لغت پژوهان ذکر می‌کنند را در معنای واژه متذکر می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۳۲۷).

زبیدی در ارتباط با این آیه تنها به اختلاف قراءات اشاره می‌کند و می‌گوید: قراء واژه‌ی «سُخْرِيًّا» را به دو وجه اعرابی خوانده‌اند، برخی آن را به کسر و عده‌ای آن را به ضم خوانده‌اند (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۵۰۶).

یکی دیگر از عالمان علم لغت می‌نویسد: در ابتدا به اختلاف معنای واژه‌ی «سُخْرِيًّا» و «سُخْرِيًّا» می‌پردازد و معتقد است این کلمه هر گاه با کسر خوانده شود به معنای مسخره کردن و هرگاه با ضم خوانده شود به معنای به بیگاری گرفتن و به خدمت درآوردن کسی می‌باشد اما آن‌چه قابل توجه است این است که اگرچه به اختلاف معنایی دو واژه اشاره می‌کند ما از اختلاف قراءات صحبت نمی‌کند (موسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۰۳).

از جمله لغت پژوهان معاصر مصطفوی می‌باشد ایشان می‌گوید: بین دو واژه‌ی «سُخْرِيًّا» و «سُخْرِيًّا» تفاوت است واژه‌ی اول به معنای به خدمت گرفتن و واژه‌ی دوم به معنای استهزاء کردن می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۳۱ق، ج ۵، ص ۹۱).

## ۶. «سُخْرِيًّا» و «سُخْرِيًّا» در کلام علمای دانش قرائت

«فَاتَّخَذُوا مِنْهُمْ سُخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمُ ذِكْرِي وَ كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ»، (و شما آنان [=مؤمنان] را به ریشخند گرفتید تا [با این کار] یاد مرا از خاطرتان بردند و شما بر آنان می‌خندیدید). واژه‌ی «سُخْرِيًّا» در آیه‌ی شریفه به دو وجه «سُخْرِيًّا» و «سُخْرِيًّا» قرائت شده است:

الف. قرائت مشهور «سُخْرِيًّا» به کسر سین است (ابن مجاهد، ۱۹۸۸م، ص ۳۲۴). کتب احتجاج قراءات بر این باورند که «سُخْرِيًّا» به کسر، از «سُخْرِيَّة» به معنای «استهزاء» است یعنی شما آنان را مسخره می‌کردید (مکی بن ابی طالب، ۱۴۰۴، ص ۱۳۱).

ب. نافع، حمزه و کسایی «سُخْرِيًّا» به ضم سین خوانده‌اند. استناد قراء به قرائت «سُخْرِيًّا» به رفع حرف اول، در سوره‌ی زخرف آیه‌ی ۳۲ می‌باشد (لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا) «بعضی از آن‌ها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند».

با توجه به این که منابع احتجاج قراءات بین این دو واژه تفاوت قائل شده‌اند، لازم است به بررسی نظر مفسران و لغت‌پژوهان پرداخته شود تا بتوان به نتایجی دقیق دست یافت.

### ۷. «سُخْرِيَا» و «سُخْرِيَا» در کلام مفسران

در این بخش به طور مختصر به ذکر آراء مفسران در ارتباط با قرائت واژه‌ی «سُخْرِيَا» اشاره کرده سپس به تحلیل ادله و نقد آن پرداخته می‌شود.

تفاسیر قرن اول و دوم به بحث لغوی و زبان‌شناختی واژه‌ی «سُخْرِيَا» به کسر و ضم نپرداخته و اشاره‌ای به اختلاف قرائت موجود در آن نکرده‌اند (ابن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۱۶۷).

در قرن سوم، ابن قتیبه معنای دو واژه را ذکر می‌کند و «سُخْرِيَا» به کسر «سین» به معنای مسخره و استهزاء کردن می‌داند و می‌نویسد: «سُخْرِيَا» به معنای به تسخیر گرفتن می‌باشد (ابن قتیبه، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۲۵۸).

در قرن چهارم، طبری در تفسیر جامع البیان بحث اختلاف قرائت را مطرح کرده است. وی ابتدا به اختلاف قراء در قرائت واژه‌ی مذکور اشاره نموده و معانی هر یک از وجوه قرائی را توضیح می‌دهد: «بعض قراء الحجاز و بعض أهل البصرة و كوفه: فَأَتَّخَذْتُمُوهُمْ سُخْرِيَا بِكسر السين. و يتأولون في كسرهما أن معنى ذالك الهزاء، و يقولون: إنها إذا معنى الكلمة: السخرة و الاستعباد» (برخی از مردم حجاز و برخی از مردم بصره و کوفه «فَأَتَّخَذْتُمُوهُمْ سُخْرِيَا» را به کسر سین خوانده و آن را به معنای استهزاء تأویل کرده‌اند و برخی دیگر آن را به معنای به بردگی گرفتن دانسته‌اند) (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۴۹).

در قرن پنجم، طوسی ضمن اشاره به اختلاف قرائت در واژه‌ی مورد نظر قول «سُخْرِيَا» به ضم حرف اول را ضعیف می‌داند و وجه «سُخْرِيَا» به کسر حرف اول به معنای مسخره کردن را برمی‌گزیند. «سُخْرِيَا أی کنتم تَسْتَهْزِؤْنَ بهم و تَسْخِرُونَ منهم. و قيل (السُّخْرِي) بضم السين من السخیر» (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۷، ص ۳۹۲).

در قرن ششم، زمخشری در تفسیر آیه به ذکر اختلاف قراءات در کلمه‌ی «سُخْرِيَا» می‌پردازد و در معنای واژه‌ی «سُخْرِيَا» و «سُخْرِيَا» اختلاف قرائات را ذکر می‌کند به گونه‌ای که دقیقاً مانند سایر مفسران دیگر قرائت به کسر را در معنای استهزاء می‌داند و قرائت به ذم را به معنای به سخره گفتن می‌داند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۰۵).

نکته‌ی قابل توجه این است که اگر چه در تفسیر طبرسی به وفور شاهد بحث مستقلی از قراءات هستیم اما مراجعه به تفسیر مجمع البیان گویای آن است که مفسر، به اختلاف قرائت موجود اشاره‌ای نکرده است. در نتیجه می‌توان گفت تمامی اختلاف قرائت‌های موجود در کتب قرائی از جمله کتاب السبعه‌ی ابن مجاهد در این تفسیر ذکر نشده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۱۹۱).

در تفاسیر قرون بعد هیچ نکته‌ی جدیدی در بحث قرائی و زبان‌شناختی واژه‌ی «سُخْرِيَا» به کسر و ضم حرف اول دیده نمی‌شود جز آن که به نقل آراء گذشتگان بسنده کنند. به عنوان نمونه بغوی در قرن ششم می‌نویسد: «اهل مدینه و حمزه و کسایی «سُخْرِيَا» را به ضم سین خوانده‌اند و سایر قراء آن را بکسر خوانده‌اند، قرائت به کسر سین «سُخْرِيَا» به معنای مسخره کردن و قرائت به ضم سین «سُخْرِيَا» به معنای تسخیر کردن و به سُخْره گرفتن می‌باشد (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۷۷).

در تفاسیر معاصر نیز این بحث چندان جدی دانسته نشده و تنها به نقل اختلاف قرائت بسنده کرده‌اند یا در برخی

موارد حتی به اختلاف قرائت هم اشاره ای نکرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۰۲؛ طیب، ج ۹، ۱۳۷۸ش، ص ۴۷۸).

به‌عنوان مثال ابن عاشور می‌نویسد: «نافع، کسایی و خلف، سُخْرِيًّا را به ضم سین خوانده‌اند و این واژه به‌معنای استهزاء و مسخره کردن می‌باشد و معنای واژه‌ی سُخْرِيًّا را به‌کارگیری و استخدام دیگران بیان می‌کند» (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۱۰۵).

نیز برخی دیگر از مفسران که اختلاف قرائت و تفاوت دو واژه را مطرح نکرده‌اند، واژه‌ی سُخْرِيًّا را به‌معنای «مسخره کردن» دانسته‌اند (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۳۵۳؛ مدرس، ۱۳۶۹ش، ج ۸، ص ۲۰۳).

## ۸. نتایج تحلیل آراء منابع دانش لغت، قرائت و تفسیر

به‌دلیل تعلق و ارتباط علم قراءات به کتابت قرآن، این علم در زمره‌ی ارزشمندترین علوم جای گرفته است؛ به‌همین سبب علاوه بر قاریان قرآن کریم، بسیاری از مفسران، زبان‌شناسان و اصول‌دانان به‌این علم توجه داشته‌اند؛ اما با وجودی که صاحب نظران علم لغت از این علم در پیام معانی واژه‌ها بهره برده‌اند، عنایت و توجه آنان به علم قراءات نادیده گرفته شده است. با توجه به تأثیر قراءات بر منابع دانش لغت این مهم اثبات می‌گردد که بین معاجم لغوی و دانش قراءات ارتباط وثیقی برقرار بوده و مؤلفان منابع دانش لغت، علم قراءات را به‌خوبی می‌دانسته و به‌عنوان یک متبع در تدوین آثار خود به‌کار گرفته‌اند. همان‌گونه که بیان شد، واژه‌ی «سُخْرِيًّا»، به دو وجه قرائت شده است. کسایی از طرفداران قرائت «سُخْرِيًّا» به ضم سین است. «سُخْرِيًّا» و «سُخْرِيًّا» از لحاظ معنایی با هم متفاوتند. یعنی «به سُخره گرفتن و تسخیر گرفتن دیگری» «سُخْرِيًّا»، و «مسخره کردن»، «سُخْرِيًّا» می‌باشد. مطالعه و بررسی این واژه در معاجم نشان می‌دهد لغت‌پژوهان به بیان تفاوت این دو واژه اشاره کرده‌اند و تفاوت معنای این دو واژه را با استناد به قرائت و توجیه قرائت بیان می‌کنند به‌عبارتی دیگر با آن‌که در برخی موارد، حجت اختلاف قرائت و توجیه آن، به‌معنای لغوی برگشت داده شده، در این واژه به‌نظر می‌رسد مسیر معکوس است... هر چند در این آیه مستقیماً سخنی از قراءت نیامده و تنها اختلاف قرائت ذکر شده است. این هماهنگی بین معاجم لغت و منابع احتجاج به‌خوبی بیان‌گر ارتباط این دو علم و استفاده علمای لغت پژوه از کتب احتجاج قراءات است.

## ۹. منابع

۱. ابن اثیر، مجدالدین، *النهائية في غريب الحديث والأثر*، دمشق: دار الفكر، اول: ۱۴۰۸ق.
۲. ابن جزری، محمد، *النشر في قراءات العشر*، قاهره: مكتبة الحلبي، (بی‌تا).
۳. ابن درید، محمد بن حسن، *جمهره اللغة*، بیروت: دارالعلم للملایین، اول: ۱۹۸۸م.
۴. \_\_\_\_\_، *منجد المقرئين و مرشد الطالبین*، قاهره: مكتبة القدسی، ۱۳۰۵.
۵. ابن سیده، علی بن اسماعیل، *المحکم و المحيط الاعظم*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۶. ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر*، بی‌جا، بی‌تا، بی‌تا.
۷. ابن سلیمان، مقاتل بلخی، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ق.



۸. ابن قتیبه، عبد الله بن مسلم، تفسیر غریب القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸ق.
۹. ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، بیروت: موسسه الرساله، هفتم: ۱۴۰۵ق.
۱۰. ابن کثیر، ابوالفدا اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، با مقدمه دکتر یوسف عبدالرحمن مرعشی، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۱۱. ابن مجاهد، ابوبکر احمد بن موسی، السبعة فی القراءات مصر: دارالمعارف، سوم: ۱۹۸۸م.
۱۲. اسماعیل، شعبان، القراءات، احکامها و مصدرها، بیروت: دارالسلام، ۱۹۸۶م.
۱۳. أزهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: داراحیاء التراث العربی، اول: ۱۴۳۱ق.
۱۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحاح، به تحقیق قاسم شماعی، بیروت: دارالقلم، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۱۵. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.
۱۶. بقاعی، ابراهیم بن عمر بن حسن، الضوابط و الاشارات، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۳ق.
۱۷. بناء، احمد بن محمد، انحاف فضلاء البشر، ج ۱، قاهره: دارالحديث، بی تا.
۱۸. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح، به تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸هـ. ق.
۱۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تحقیق عطار، احمد بن غفور، بیروت: دارالعلم للملایین، اول: ۱۳۷۶هـ. ق.
۲۰. جمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم، دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۲۱. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا: انوار الهدی، ۱۴۲۱ق.
۲۲. دمیاطی، شهاب الدین، انحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربعه عشر، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۷ق.
۲۳. ذهبی، شمس الدین محمد، معرفة القراء الکبار، به تحقیق سید جادالحق، مصر: مطبعه دارالکتب الحديث، بی تا.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، اول: ۱۴۱۲هـ. ق.
۲۵. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران: انتشارات امیرکبیر، دوم: ۱۳۶۲ هـ. ش.
۲۶. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر، دوم: ۱۴۱۴ق.
۲۷. زرقانی، عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۸. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ق.
۲۹. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغه، بیروت: ۱۹۷۹م.
۳۰. \_\_\_\_\_، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.



۳۱. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *الاتقان فی علوم القرآن*، به تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: منشورات رضی و بیدار، ۱۳۶۳.
۳۲. شاهین، عبد الصبور، *القراءات القرآنیة فی ضوء علم اللغة الحديث*، قاهره: مكتبة الخانجي، ۱۹۶۶م.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۳۴. طباطبایی، سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، قم: انتشارات اسلامی مدرسین حوزه علمیّه قم، ۱۴۱۷ق.
۳۵. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۳۶. طریحی، فخر الدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۳۷. طوسی، محمد بن حسین، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تهران: دارالکتب العلمیه، ۱۳۶۵ش.
۳۸. طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۸۷ش.
۳۹. عسکری، سید مرتضی، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، بی جا: شرکت التوحید للنشر، ۱۴۱۷ق.
۴۰. فراهیدی، خلیل ابن احمد، *العین*، تحقیق دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی، تهران: دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
۴۱. فضل الله، سید محمد حسین، *من وحی القرآن*، بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ق.
۴۲. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، *القاموس المحیط*، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول: ۱۴۱۸ق.
۴۳. کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، به تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۴۴. محیسن، محمد، *القراءات و اثرها فی علوم العربیه*، ج ۱، قاهره: ۱۹۸۴م.
۴۵. مدرس، محمد علی، *ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب*، تهران: خیام، ۱۳۶۹ش.
۴۶. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰ق.
۴۷. مکی بن ابی طالب، محمد، *الکشف عن وجوه القراءات السبع و عللها و حجبها*، تحقیق دکتر محی الدین، بیروت: مؤسسه الرساله، سوم: ۱۴۰۴ق.
۴۸. موسی، حسین یوسف، *الافصح*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۰ق.